

کنسرت در ماه‌های محرم و صفر

در حالی که در ماه‌های محرم و صفر خوانندگان و گروه‌های موسیقی در ایران برنامه‌ای ندارند، تعدادی از گروه‌ها و خوانندگان مطرح موسیقی کشورمان برنامه‌هایی را در برخی کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی پیش‌بینی کرده‌اند.

همایون شجریان در قونیه

گروه موسیقی «شمس» به سرپرستی کیخسرو پورناظری و خوانندگی همایون شجریان روز سوم مهرماه سال جاری در قالب جشنواره بین‌المللی موسیقی عرفانی قونیه، کنسرتی را برگزار کرد.

علی قمصری در سوئد

علی قمصری نوازنده و آهنگساز موسیقی ایرانی با همراهی سارا رسول‌زاده و حامد شفیق خواه نیز با دعوت تئاتر ملی سوئد و همکاری جشنواره موسیقی جهانی «شیستا» وانجمن فرهنگی سوئد، پروژه «شطرنج» را به کارگردانی سهیلا گلستانی روز ششم آبان‌ماه در سالن موزیک‌الیکای استکهلم، روی صحنه می‌برد. این آهنگساز با همراهی محمدرضا مرتضوی آبان ماه امسال نیز در سالن فیلارمونیک کلن روی صحنه خواهد رفت.

ناظری هادر کانادا

شهرام ناظری و پسرش نیز از روزهای پایانی مهرماه تور کنسرت کانادا را آغاز می‌کنند. این اجراهای زنده روز ۲۱ مهرماه در اوتاوا، ۲۲ مهر در شهر مونترال، ۲۹ مهر در تورنتو، ۵ آبان در کال‌گری و ۱۶ آبان در ونکوور میزبان علاقه‌مندان موسیقی است.

■ ■ ■

صدری دبیر گروه موسیقی فرهنگستان هنر

روابط عمومی فرهنگستان هنر اعلام کرد طی احکامی جداگانه از سوی علیرضا اسماعیلی، سرپرست این فرهنگستان، گروه موسیقی با ریاست سید عبدالمجید کیانی هندی، مدرس موسیقی ایرانی و نوازنده سنتور، فعالیت خود را از سر می‌گیرد. شاهین فرهت، عضو پیوسته فرهنگستان هنر، دکتری آهنگسازی از دانشگاه استراسبورگ فرانسه، نیز به‌عنوان عضو دائم این گروه منصوب شد.

همچنین محمد سعید شریفیان، دکتری فیزیک صوت و موسیقی الکتروآکوستیک دانشگاه پادوا ایتالیا، داریوش طلایی، عضو هیات‌علمی گروه موسیقی دانشگاه تهران، علی اصغر بیانی، مدرس موسیقی در دانشگاه تهران و کاوه خورابه به مدت دو سال به عضویت این گروه درآمدند.

احمد صدری نیز طی حکمی دیگر به‌عنوان قائم‌مقام و دبیر گروه موسیقی فرهنگستان هنر انتخاب شد.

■ ■ ■

گزارش مالی چهار دوره جشنواره موسیقی فجر منتشر شد

روابط عمومی معاونت هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، گزارش دوره‌های بیست و نهم تا سی و دوم جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر (بین سال‌های ۹۲ تا ۹۵) منتشر شد. این گزارش در ادامه رویکرد شفاف‌سازی دولت گرازدهم و وزارتخانه فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر شد. گزارش مالی چهار دوره جشنواره موسیقی فجر در حالی منتشر شده که گزارش مالی سال ۹۶ جشنواره موسیقی فجر پیش از این منتشر شده بود.

■ ■ ■

آهنگ‌های ناتمام «لئونارد کوهن» در یک آلبوم جدید



لئونارد کوهن، شاعر، رمان‌نویس، خواننده و ترانه‌سرای کانادایی که در نوامبر سال ۲۰۱۶ و در سن ۸۲سالگی در گذشت، پیش از مرگ، کار بر روی یک آلبوم موسیقی جدید را با پسرش آدام کوهن که یک تهیه‌کننده موسیقی است آغاز کرده بود و حالا پسرش اعلام کرده مشغول کار برای تکمیل این قطعات ناتمام است و انتظار می‌رود آلبوم جدید سال آینده میلادی منتشر شود. بنا بر گفته آدام کوهن آخرین آلبوم موسیقی پدرش دارای لحنی کاملاً متفاوت با دیگر آثارش است.

در حاشیه سفارش یک سمفونی یکبار مصرف دیگر

چکناواریان آهنگساز نورچشمی دولت‌ها

سمفونی امام رضا، سمفونی خلیج فارس، سمفونی پیامبر، سمفونی کارون و سوئیت سمفونی رسول عشق وامید.

این‌ها نمونه برخی از اسامی سمفونی‌های سفارش‌ی این سال‌ها هستند. به این اسامی نگاه کنید، آیا چیزی از قطعه

شنیده‌شده آن را به خاطر می‌آورید؟ اصلاً چرا راه دوری برویم این اسامی را چطور به خاطر می‌آورید؟ از موزیسین‌های

این سمفونی‌ها چطور؟ اسمی شنیده‌اید؟ آیامی دانید این‌ها برای چه ساخته شده‌اند؟ می‌دانید برای نوشتن هر کدام چقدر

هزینه شده است؟ آیامی دانید بودجه هر کدام از این قطعات موسیقی هزینه زندگی چند خانواده متوسط کشور در

همان سال سفارش بوده است؟



زمانی و شرایط اجتماعی متفاوتی هستند که هر چند شرایط دفاع مقدس پس از انقلاب به وجود آمد اما قطعاً عامل ایجاد انقلاب نبوده است و پیوند زدن این دو تاریخ به هم چگونه برای گرامیداشت چهل سالگی انقلاب است؟ چرا بنیاد رودکی این دو تاریخ را به هم پیوند زده است؟ چه منفعتی در این خلط موضوعات برای بنیاد رودکی وجود دارد؟

این سمفونی‌های یکبار مصرف

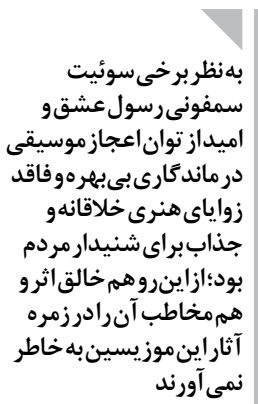
سمفونی کارون را به یاد می‌آورید؟ می‌دانم که شاید حتی اسم این سمفونی را هم نشنیده باشید. سمفونی پیامبر چطور؟ چرا این قدر این سمفونی‌ها گمنام‌اند؟ چرا حتی رادیو تلویزیون وقتی به پخش این آثار نمی‌دهد؟ چرا در این سال‌ها وزارت ارشاد و یا سایر نهادهای دارای بودجه‌های دولتی برای ساخت سمفونی‌ها هزینه کرده‌اند؟ این هزینه‌ها برای چه بوده؟

اگر هزینه برای تولید یک اثر شنیداری است پس چرا این سمفونی‌ها ناشنیده مانده‌اند و تلاشی برای شنیده شدن آنها نمی‌شود؟ چه در این آثار انجام گرفته که کسی در جستجوی یافتن و شنیدن این آثار نیست؟ بهتر بگوییم کسی علاقه‌ای به شنیدن آنها ندارد حتی اگر به‌رایگان کنسرت داده شود.

آیا این‌ها ساخته‌شده‌اند تا تنها یکسری نت روی کاغذ ثبت شود و نهایتاً با یکبار اجرا در ارکستر برای اول و آخرین بار شنیده شوند؟ هدف از تولید این گونه سمفونی‌های یکبار مصرف چیست؟ چرا تنها اسمی یکسری آهنگساز مشخص در ساخت این سمفونی‌ها همکاری کرده‌اند و چرا اسم هیچ آهنگساز جوانی در این میان نیست؟

بنیاد رودکی وقدرت تشخیص

مدیر عامل بنیاد رودکی در دو سال گذشته نسبت به برگزاری مراسم‌های رونمایی نامربوط به موسیقی از جمله آخرین تولید ماشین رسو، لوازم آرایش و ... کرده است و در یک اقدام کاملاً پرتش‌برانگیز و مساله‌ساز که آبروی



این بار با موضوع دفاع مقدس. آیایاید چندین بار از یک ریس‌مان گزیده شوید؟

زمان کوتاه برای ساخت سمفونی

مطابق ادعای چکناواریان، آهنگساز شناخته‌شده رستم و سهراب در دفترچه سی‌دی، نوشتن این اثر از سال ۱۹۶۲ تا ۱۹۸۵ طول کشیده یعنی چکناواریان در دوران اوج شکوفایی هنری و عشق‌وان جوانی خویش چیزی در حدود بیست و اندی سال وقت صرف نوشتن یک اثر نموده که هنوز هم شنیدن آن تأیید کننده این است که وقت بیست و چند ساله‌ای که گذاشته، بیهوده تلف نشده است و حاصلش اثری شده که همچنان شنیدنی است، چراکه قائم به خویش بوده و برای تحسین آن نیاز به هیچ تمجیدکننده بزرگ و حکومتی و... نیست آن چنان‌که کیفیت اثر، خود گواه بزرگ این ویژگی است. اما آیا کسی که در اوج توانایی‌ها و نبوغ و قلبان استعدادش

چنددهه وقت صرف ساختن یک اثر می‌کند در عرض چند ماه آیا موفق به نوشتن اثری بگرو خلاقانه خواهد شد آن‌هم زمانی که سال‌هاست آن چشمه جوشان نبوغ خشکیده و چیزی جز کارهای میانه و بعضاً ناخوشایند از او ندیده‌ایم؟

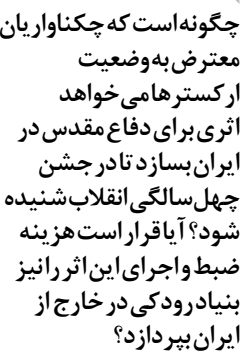
یادمان نرفته است که در سال ۸۶، چکناواریان سوئیت سمفونی رسول عشق و امید را با همکاری معاونت هنری وقت دولت نهم به انجام رسانید اما هرگز در کارنامه‌اش از این اثر یاد نمی‌کند و بیشتر مایل است نامی از آن نبرد. البته مخاطبان و شنوندگان این اثر نیز چیزی از آن در خاطر ندارند چراکه شاید به نظر برخی اثر از توان اعجاز موسیقی در ماندگاری بی‌بهره بود اما باید گفت فاقد زوایای هنری خلاقانه و جذاب بلکه مبتذل از فرط تکرار برای شنیدار مردم بود که هم خالق اثر و هم مخاطب آن را در زمره آثار این موزیسین به خاطر نمی‌آورند.

اجرا بار کستر سمفونیک همیشه نامطلوب تهران

به فرض اینکه بهترین سمفونی را چکناواریان بسازد، پرسش اینجاست که حال با کدام ارکستر سمفونیک توانا می‌خواهد این اثر را اجرا کند؟ و یا اثر را برای اجرا به کدام ارکستر سمفونیک خواهد سپرد؟ چرا که همگان می‌دانیم همواره چکناواریان معترض به وضعیت کنونی ارکستر سمفونیک تهران بوده و اجرای آثارش را با این ارکستر مناسب نمی‌دانسته است. هر چند این ابزار عقیده‌ها بر اساس حب و بغض‌ها صورت گرفته است و حتی در دوره‌ای که خود مشاور معاونت هنری در زمینه ارکسترها بودند و با اصلاح‌دید و مشورت ایشان ارکسترها سامان یافته بودند نیز ایشان در جایگاه یک معترض به بیان نظرات انتقادی خویش پرداخته اما خب در عمل نیز او آثارش را برای اجرا به خارج کشور برده است.

هنوز یادمان نرفته که در سال گذشته خبر /شایعه‌ای در محافل موسیقی پیچید که معاونت اسبق هنری که علاقه بسیار زیادی به چکناواریان نیز داشت با یکی از بانک‌ها برای تأمین هزینه‌های ضبط اثر چکناواریان با یکی از ارکسترهای مطرح اروپا صحبت‌هایی کرده و در خواست تأمین بودجه بلاعوض داشته است. البته این خبر نه تأیید شد و نه از جانب معاونت هنری وقت و یا چکناواریان تکذیب!

هر چند نتیجه آن نیز مشخص نشد و شاید در مرحله گمانه‌زنی‌ها متوقف مانده، اما نباید به این خبر هر چند که شایعه باشد بی‌توجه بود چراکه به‌هر روی نشان‌دهنده تلاش همیشگی چکناواریان برای ضبط اثر بار کسترهای خارجی است. حال چگونه است که همان چکناواریان معترض به وضعیت ارکسترهای خود اثری برای دفاع مقدس در ایران بسازد تا در جشن چهل سالگی انقلاب شنیده شود؟ و



یا قرار است هزینه ضبط و اجرای این اثر را نیز بنیاد رودکی در خارج از ایران بپردازد؟

به‌گزاری مسابقه به جای پیشنهادهای

با همه این اماو اگرها و اشتباهاتی که دیگر عادت کرده‌ایم مدیرعامل بنیاد رودکی مرتکب آن نشود آیا بهتر نیست ساخت قطعات بزرگی چون سمفونی‌های مناسبتی و ملی را به مسابقه واگذار کنیم و جوانانی را به کار بگیریم که در عرصه دفاع نیز جان خویش را در اولین صفوف تقدیم کرده‌اند؟ آیا بهتر نیست با مسابقه و شناساندن یک موزیسین جوان در ازای برگزاری مسابقه آهنگسازی، دارای یک اثر سمفونیک شنیدنی شویم که همگان به تحسین اثر لب بکشایند به‌جای اینکه با توسل به سفارش و رفاقت‌ها، یک آهنگساز همیشه در صحنه که از انواع موهبت‌ها در اغلب دولت‌ها از دولت نهم تا یازدهم و دوازدهم برخوردار بوده را وادار به ساخت یک اثر یکبار مصرف آن‌هم برای مساله مهمی به نام دفاع مقدس کنیم آن‌هم در ازای صرف هزینه‌های هنگفت؟ هزینه‌هایی بی‌فایده که هم شأن موسیقی را پایین می‌آورد و هم مخاطب از آن بهره‌ای نمی‌برد. آیا بهتر نیست با برگزاری مسابقه در میان این همه دانشجوی فارغ‌التحصیل آهنگسازی و یا آهنگسازان جوان و با استعداد کشورمان در این روزگار بد اقتصادی شورونشاطی بیفکنیم و یا علاقه‌مندیم تماماً بودجه‌های دولتی قابل مدیریت را به پیران یا کسانی که مدت‌هاست اعلام خود باز نشستگی در کارها و آثارشان پیداست، واگذار کنیم؟

درست است که بنیاد رودکی در توان تشخیص موسیقی قابل سرمایه‌گزاری و حمایت از بقیه موسیقی‌ها ناتوان تر عمل کرده و امکان دارد در هیات داوری آثار نیز این مساله را تقویت کند اما هر چه باشد برگزاری مسابقه بهتر از واگذاری کوراست. علاوه بر آن، هر چند چندین ماه از اتمام دوره مدیریت علی‌اکبر صفی پور بر بنیاد رودکی گذشته است و درباره مدیر عامل این بنیاد حرف و حدیثی زده نمی‌شود اما لازم است وزیر محترم ارشادفکری به حال مدیریت این مجموعه نماید تا بیش از این آسیب‌زننده به جامعه موسیقی و اسراف‌کننده بودجه دولتی نباشد.

